

آسیب شناسی و کالت دعاوی

تألیف: بهمن کشاورز
(وکیل دادگستری)

www.ketab.ir

سرشناسه	: کشاورز، بهمن، ۱۳۲۳-
عنوان و نام پدیدآور	: آسیب‌شناسی وکالت دعاوی / تألیف بهمن کشاورز.
مشخصات نشر	: تهران: نشر کشاورز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۷۳۵-۸-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: وکالت -- ایران
موضوع	: وکالت
موضوع	: وکلای دادگستری
سند کتبی	: ۱۳۹۳ ۵۵۵/۵۸۶ KMH
ردیف دیوبی	: ۳۴۶/۵۵۰۲۹
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۳۵۱۶۴۴۵



تهران: خیابان خارک، خیابان شهید هاشمی، ر. ش. ۳، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۷۰۰۴۵۲

عنوان کتاب: آسیب‌شناسی وکالت دعاوی

مؤلف: بهمن کشاورز

ناشر: نشر کشاورز

چاپ: اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: چاپخانه دیبا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۷۳۵-۸-۱

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	سرسخن
۱۳	تمهید بحث
۱۹	آسیب‌های مربوط به وکلا
۲۴	موارد درونی و شخصی
۳۷	موارد بیرونی
۵۱	وکلا و کارآموزان، کارآموزان و وکلا
۵۹	آسیب‌های ناشی از حکومت به معنی اعم
۵۹	اصطکاک قدرت و قانون
۷۱	توهم فساد و کج‌روی
۷۳	ماجرای استقلال «وکیل» و استقلال «کانون»
۷۷	تفاوت دیدگاه‌ها در تفسیر قانون
۸۲	مسائل مالیاتی
۸۷	پروانه وکالت، هدیه بازنشستگی، بازخریدی و استعفا
۸۷	اپوزیسیون

- آسیب‌های ناشی از دادگاه‌ها و مراجع شبه قضایی ۹۱
- باز هم توهم ثروت ۹۲
- تمایل به آزادی عمل مطلق ۹۴
- عکس‌العمل اقدامات بعضی از وکلا ۹۹
- آسیب‌های نشأت گرفته از موکل ۱۰۳
- توقعات غیرمعقول و درد پرداخت حق‌الوکاله ۱۰۴
- آسیب‌های مربوط به اجتماع و مردم به مفهوم اعم ۱۱۵
- فیاض نفس ۱۱۸
- قاصد که دست دشمن است ۱۱۸
- گونه‌های وکلا و دیدگاه‌های مردم از این موضوع ۱۲۱
- توقعات بی‌جا ازکیل خود و وکیل طرف ۱۲۴
- وقتی مسائل حقوقی به شخص وکلا مطرح است ۱۲۸
- آسیب‌های مربوط به صبی وکالت ۱۳۱
- وکالت، دخالت در امور مردم ۱۳۱
- با اینکه هر دعوا فقط یک برنده دارد پس چرا ۱۳۲
- وکیل از گرفتاری و درگیری مردم استفاده و اشتغال می‌کند ۱۳۷
- محدودیت‌های وکیل ۱۳۸
- وکیل ایستاده می‌میرد ۱۴۱
- شغل وکالت شغلی چالش‌آفرین ۱۴۲

آنچه در ایران است، آمده حاصل چهل سال دیدن، شنیدن، خواندن و کسب تجربه در دسترس کار و کالت در ایران است. یعنی این نوشتاری تحقیقی - علمی و مبتنی بر دانش‌های تحقیقی کتابخانه‌ای یا میدانی و یا پژوهشی بین‌المللی در باب موضوع نیست و حتی نمی‌توان آن را بررسی‌ای ملی و کشوری نامید زیرا از یکسو نگارنده در پی آن نبوده که شغل و حرفه و کالت، چگونگی زندگی، رفتاری‌ها و آسیب‌ها و بالأخره مزیت‌ها و برتری‌هایش را با موارد دیگر کشورهای دیگر مقایسه کند و نه می‌تواند ادعا کند آنچه می‌گوید سراسر ایران و در حوزه همه کانون‌های وکلای کشور - در سطح زیر - بیست و سه کانون - صادق است.

ایران کشور پهناوری است که اقوام گوناگون با آیین‌ها، آداب، رسوم، زبان‌ها - حتی گویش‌ها -، اندیشه‌ها و باورهای متفاوت و متنوع در آن زندگی می‌کنند. هر چند دین اسلام همه این مردم را به نوعی به یکدیگر پیوسته، اما باید پذیرفت که این گوناگونی، همان‌گونه

که در جنبه‌های مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم هر منطقه جلوه می‌کند، در چگونگی "وکالت" مناطق مختلف نیز مؤثر خواهد بود. نباید فراموش کرد "وکالت" حرفه‌ای است که با فکرها، ذهن‌ها و جنبه‌های معنوی و درونی انسان‌ها - اعم از وکیل، موکل و مقام قضایی - سر و کار دارد، هر چند آنچه در دادگاه‌ها یا مراجع شبه قضایی مطرح می‌شود، ناچار به مسائل عادی زندگی با درجات و شدت و ضعف‌های گوناگون مربوط می‌شود. بنابراین وکیل وابسته به یکی از قوم‌ها یا استان‌ها، وقتی در منطقه سکونت اقوام دیگر یا استانی غیر از زادگاهش به کار وکالت می‌پردازد، ناگزیر از ویژگی‌های محلی متأثر می‌شود. مثلاً - در صورت داشتن شخصیتی اثرگذار - بر آنچه در محل کار و سکونتش می‌گذرد - حداقل در زمینه‌هایی که مستقیم و یا غیرمستقیم به کار او مربوط است - تأثیر می‌گذارد. بگذریم از این واقعیت که آثار وجودی اسلام می‌تواند از فضای کار حرفه‌ای آنها بسیار فراتر رود که این موضوع بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

آنچه بنده می‌نویسم مربوط به ایران و استان‌های اطراف آن از جمله شمیران، کرج، شهر ری و ورامین است. حتی حوزه کانون وکلای دادگستری مرکز را شامل نمی‌شود که هم استان تهران و هم استان‌های یزد، هرمزگان و سمنان و سیستان و بلوچستان را در بر می‌گیرد. باید اعتراف کنم با اینکه در برپایی اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) نقش داشته‌ام (در مورد اینکه این نقش بزرگ یا کوچک بوده یا اصلاً نبوده و اگر بوده چه قدر تأثیر داشته و باقی قضایا، باید دیگران داورى کنند که اگر خود قضاوت کنم

نتیجه این خواهد شد که اصلاً کسی جز من نقشی نداشته و ... آنچنان که معمولاً در این گونه موارد قضاوت می‌کنیم و این یکی از مسائل مطرح در این کتاب خواهد بود!) و با اینکه از آغاز تأسیس اسکودا، سه دوره افتخار کارگزاری آن را عهده‌دار بوده‌ام و برگزیده برگزیدگان رکلای دادگستری بودن - که خود نخبگان جامعه هستند - به راستی افتخار بزرگی است که به آن می‌بالم، اما به یقین نمی‌توانم ادعا کنم که خواهرم را که ایران را به درستی و عمیقاً و با جزئیات شناخته‌ام. چه بسا همه میزبان آگاهی هم در مورد "وکالت" در تهران و اطراف آن نیز کاملاً عالی و بهتر بر بررسی مسائل تا انتها (استقصا) نباشد. همه اینها را نوشتن مخاطب و خواننده محترم بداند با تحقیقی علمی که محقق به منابع مختلف گوناگون فارسی، عربی، انگلیسی و - اگر طبع کار اقتضا کند - زبان‌های دیگر مراجعه کرده، مواجه نیست بلکه این نوشتار نتیجه بررسی‌ها و تدیسه‌های کسی است که خود، بهتر و بیشتر از هر فرد دیگر، ناتوانی، اشکالات خُلقی، عقده‌ها و کژاندیشی‌های خود را می‌داند و می‌شناسد و در بهار زندگی همواره در رفع و اصلاح آنها تلاش کرده و اگر هم موفق نشده، ابراشیت و خواست خداوند بوده است. بنابراین انگیزه‌ام از این نوشتار این است که این بوده که برداشت‌ها و دانسته‌هایم از این حرفه و نوع ایران را به هر چند ناقص و سطحی و غیر علمی - باقی بماند که اینک به پای راه رسیده‌ام و نمی‌دانم چه قدر فرصت خواهم داشت و از دیگر سو امیدوارم این حرکت گشاینده راهی و آغازگر فرآیندی باشد که دیگر همکاران نیز از پیر و جوان و میان‌سال و زن و مرد برای انتقاد از من

و خود و دیگر همکاران - اعم از وکالتی و قضایی - پا پیش گذارند. گمان می‌کنم اگر کار وکالت در ایران از همه جهات "خوب" باشد - که قضاوت آن هم بر عهده همکاران و به تعبیری همه مردم ایران است - چنین حرکتی باعث "بهرتر" شدن کار خواهد شد. زیرا تا زمانی که من خود را "بهترین" بدانم و همکارانم نیز همگی "بهترین" باشند و مجموعه صنفی ما هم "بهترین" باشد، انگیزه‌ای برای "بهرتر شدن" وجود نخواهد داشت. این امر مختص وکلا و وکالت هم نیست و تا تریب حد قابل تعمیم و توسعه است.

مورد آسیب‌شناسی "بررسی و شناخت اشکالات و کاستی‌های حرفه وکالت ضروری‌ای که به آن وارد می‌شود و هججه‌هایی است که این حرفه در معرض آن قرار دارد. بنابراین واضح است که در این نوشتار در پی بررسی سطح الایراف تاریخی، اجتماعی و... این شغل نیستیم و نخواهیم بود.

بنابراین سعی کرده‌ام ابتدا با خود و بعد با مخاطب، در حد امکان، صادق باشم. عبارات «سعی کرده‌ام» و «در حد امکان» آشکارا نشان می‌دهد که مخاطب در این جا هم هم‌چون سایر سیرمیده‌های علوم اجتماعی و انسانی با «نسیئت» روبه‌رو است. «صادقانه» را نباید از بشری انتظار داشت که خودخواهی، حسادت، خودرنگینی، برتری‌طلبی، نقدناپذیری و ... گویا در سرشت اوست (لااقل در مردم قیاس به نفس می‌توانم این را بگویم. به کسی بر نخوردا) و از طرفی هم گرفتار «ضمیر ناخودآگاه» خویش است و هر اندازه تلاش کند نمی‌تواند همه آنچه در «وجدان مغفوله» است، به عرصه خودآگاهی

بکشد. ناچار همواره اسیر ضمیر ناخودآگاه (قسمت مهمی از «ID» اید یا «او» یا نفس اماره بالسوء) باقی می ماند. «اقرار العقل علی انفسهم جایز» و تنها چیزی که ممکن است در این میان و در این حدیث نفس به داد نگارنده برسد. البته همین قید «عقلا»ست که چه بنا او را از شمول حکم خارج کند.

بنابراین با وام گیری این روش از جناب آقای «نراقی» نویسنده محترم کتاب «تأسیس جامعه شناسی خودمانی»، به مخاطب محترم عرض می کنم موارد منقح در این نوشته را متوجه خود ندانند بلکه توجه داشته باشند این موارد متوجه نگارنده و از باب همان «قیاس به نفس» است و البته هر فرد بشری که باشد به مخاطب و خواننده محترم توجه دارد. با این همه گردن من است و تیغ خواننده و مخاطب و این گردن از «مو» هم باریکتر است.

بهمن کشاورز

برداد ماه ۱۳۹۳